



Manifestation of Identity Components in Panjatantrah

Nasrin Fallah  *

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

Sedighe Alipur 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

Nasim Razani 

Master of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

Abstract

Panjatantrah is a valuable and influential literary book that contains ancient instructive anecdotes.. Panjatantrah, the work of the great Indian master Pandit Wishno Shermeh traces back to 200 BC. Examining this work with an interdisciplinary approach on the subject of identity provides the basis for analyzing the impact dimensions of this work in the texts after it. Analyzing the content of those stories, we get to know the identity of created characters because narrative characters are often influenced by society and influence the formation of events. In this study, through content analysis method and by relying on library resources, the identity of characters in Panjatantrah is shown from different aspects in order to get the dimensions and forms of their identity. The types of identities based on textual evidence including individual, social, political, religious, national, ethnic and gender identities are described. Findings showed non-individual identities are the most applicable compared to individual identity and identity evidence

* Corresponding Author: n.fallah@uk.ac.ir

How to Cite: Fallah, N., Alipur, S., Razani, N. (2025). Manifestation of Identity Components in Panjatantrah, *Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature*, 1(1), 129-156. DOI: 10.22054/CISL.2023.72263.1012

has been consistent with the moral principles and human values prevalent at the time of the author, which proves the educational structure of the work.

Keywords: Classical Indian Literature, Identity, Panjatantrah, Visnu Sarma, Interdisciplinary Studies.

جلوه‌های انواع هویت در پنج‌تتره

*  **نسرین فلاح**

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

 **صدیقه علیپور**

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

 **نسیم رازانی**

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

چکیده

پنج‌تتره از کتاب‌های ارزشمند و تأثیرگذار ادبی و منبع اصلی کلیله و دمنه محسوب می‌شود که حکایات پندآمیز کهنی را در برمی‌گیرد. پنج‌تتره اثر حکیم بزرگ هند یعنی پاندیت ویشنو شرمه است که قدمتش به سال‌های ۲۰۰ پیش از میلاد می‌رسد. بررسی این اثر با نگرشی بینارشته‌ای با موضوع هویت، زمینه را برای تحلیل ابعاد تأثیرگذاری این اثر در متون بعد از آن فراهم می‌کند. تحلیل محتوای حکایت‌های پنج‌تتره، هویت شخصیت‌های خلق شده در آن را نشان می‌دهد؛ زیرا شخصیت‌های حکایت، غالباً متأثر از جامعه، هویت خود را نشان می‌دهند و در روند شکل‌گیری حوادث، تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، هویت شخصیت‌ها در ابعاد گوناگون در پنج‌تتره بررسی شده است. انواع هویت بر اساس شواهد متنی، شامل هویت فردی، اجتماعی، سیاسی، دینی، ملی، قومی و جنسیتی شرح شده است. یافته‌ها نشان داده است که هویت‌های غیر فردی، بیشترین میزان کاربرد را نسبت به هویت فردی دارند و شواهد هویتی، با اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی رایج در زمان مؤلف، هماهنگ بوده است که این امر بر ساختار تعلیمی اثر صحنه می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کلاسیک هند، هویت، پنج‌تتره، پاندیت ویشنو شرمه، مطالعات میان‌رشته‌ای.

۱. مقدمه

ادبیات، سرگذشت پرفرازونشیب زندگی جوامع بشری است که در قالب‌های گوناگون نظم و نثر ترسیم شده است و هویت خود را برای مخاطبانش آشکار می‌کند. در فرهنگ و ادبیات سرزمین هند، آثار مکتوب ارزشمندی پدید آمده است که در ادبیات سایر ملل از جمله ایران، تأثیر بارزی داشته است. در ادبیات این کشور، نثر پدیده‌ای کاملاً متأخر است.

برای روح هندی که طبعاً شاعر مزاج است، هر چیزی که در خور نوشتن بود، مضمونی شاعرانه داشت و نیز صورتی شاعرانه می‌طلبید. چون صاحب اثر معتقد بود که ادبیات را باید با آوای بلند خواند و می‌دانست که اگر اثرش به طریقی منتشر شود و دوام یابد، از راه سینه‌به‌سینه خواهد بود، نه از طریق نشر نوشته، از این رو، برای ساخته‌هایش یک قالب موزون و موجز انتخاب کرد تا آسان‌تر بشود آن را نقل کرد و به خاطر سپرد؛ در نتیجه، سراسر ادبیات هند منظوم است: رسالات علمی، طبی، حقوقی و هنری اغلب به شکل موزون، یا مقفّی، یا به هر دو شکل، عرضه شده است؛ حتی دستورهای زبان و فرهنگ‌های لغت را هم به نظم درآورده‌اند. حتی فابل و تاریخ که در غرب به نثر نوشته می‌شود، در هند قالب شعری به خود گرفته است (سبحانی، ۱۳۷۷: ۹۵).

ادبیات هندی، بخصوص از نظر فابل، غنی است. این ادبیات، سرشار از داستان‌های اخلاقی کوتاه، منظوم یا منثور است که قهرمانان آن، غالباً از حیوانات یا اشیای بی‌جان هستند. معروف‌ترین کتاب هند، «پنچانترا»، یا «پنج کتاب» است. «پنچانترا» اثر پاندیت ویشنو شرمه، کتابی است که قدمتش به سال ۲۰۰ پیش از میلاد می‌رسد و اثر ارزشمند حکیم بزرگ هند و یکی از کهن‌ترین شاهکارهای ادبیات داستانی است. این اثر، مشتمل بر حکایت‌های عبرت‌آموز و شیرین است.

واژه «پنچا» با پنج فارسی به یک معناست و «تنترا» در زبان سانسکریت دارای معانی زیادی است که یکی از آن‌ها، باب یا بخش است. پنچانتترای فعلی نیز دارای پنج فصل

است؛ اما برخی متن اصلی آن را بیش از پنج فصل می‌دانند. دکتر ایندوشیکهر درباره معنای «تنترا» می‌نویسد:

ممکن است که این لغت به معنی فصل کتاب قوانین علم و دانش و اثر تعلیمی و مذهبی تعبیر شود و احتمال دارد که منظور از تنترا نیز پنج موضوع مربوط به اصول زندگی بوده است. معنی لغت تنترا هرچه بوده باشد، قدر مسلم این است که پنج‌تنترا تعلق به مکتب نیتی شاسترا یا سیاست عاقلانه در روش و اصول زندگی دارد (شرمه، ۱۳۸۵: ۵). پنج باب تشکیل‌دهنده پنج‌تنترا - با صرف‌نظر از باب «بازجست کار دمنه» که محققین آن را افزوده ابن مقفع می‌دانند - به ترتیب، پنج باب متوالی از آغاز متن داستانی کلیده‌ودمنه امروزی را تشکیل می‌دهد. البته در آغاز داستان‌های پنج‌تنترا، داستانی تمثیلی به صورت مقدمه وجود دارد که در ابتدای کلیده‌ودمنه موجود نیست و کاملاً تغییر یافته است. در این داستان، سخن از پادشاه خردمندی به نام «امر شکتی» یعنی نیروی جاودانی است که سه پسر نادان به نام‌های «وسوشکتی» به معنای نیروی ثروت، «اگر شکتی» یعنی نیروی وحشت و «انیک شکتی» یعنی نیروی بسیار، دارد. پادشاه که از بلاهت و بی‌زاری آنان از دانش و فرهنگ، سخت نگران و دل‌آزرده است، مشاوران خود را برای حل این مشکل فرامی‌خواند. آن‌ها از حل این مشکل اظهار ناتوانی می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند، پادشاه حل مشکل را به برهمنی دانا به نام ویشنوشرمه بسپارد. ویشنوشرمه به دستور پادشاه احضار می‌شود و قول می‌دهد در عرض شش ماه، رموز سروری و خوی پادشاهی را به شاهزادگان بیاموزد. پادشاه فرزندانش را با احترام به دست ویشنوشرمه می‌سپارد و او تعلیم آن‌ها را به وسیله پنج حکایت یاد شده آغاز می‌کند.

این پنج حکایت که پنج باب اصلی کتاب پنج‌تنتره را تشکیل می‌دهند، عبارت‌اند از: باب شیر و گاو، باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو، باب بوف و زاغ، باب بوزینه و باخه و باب زاهد و راسو. این کتاب در عصر خسرو انوشیروان به قلم برزویه طیب به پارسی برگردان می‌شود و برزویه بر آن، باب‌ها و حکایاتی از دیگر منابع هندی می‌افزاید. روزبه، پسر دادویه، موسوم به عبدالله بن مقفع، این اثر را به زبان عربی ترجمه

کرد و آن را کلیله و دمنه نامید. در میان ترجمه‌ها و نگارش‌های آزاد از این کتاب، عالی‌ترین اثر به نثر فارسی، روایت ابوالمعالی نصرالله منشی است که در دوره بهرام‌شاه غزنوی نوشته شده است.

بررسی هویت و مؤلفه‌های آن در پنج‌تتیره، ارتباط شخصیت‌های حکایت و ارزش‌های جامعه هند را نشان می‌دهد؛ چراکه هویت افراد و مسائل مربوط به آن، نقش بسزایی در هنر، ادبیات، تاریخ، فلسفه، دین و غیره دارد. «از دیدگاه محققان، هویت‌گرا بودن، صرفاً تلاشی است برای اتکای انسان بر دانش و بینش و توانمندی‌های خودش تا در قبال هر آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد، بتواند آن‌ها را به پیوند خویش درآورد؛ در نتیجه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است» (فاضلی، ۱۳۷۴: ۲۵).

در خصوص معنای هویت، آراء متعددی وجود دارد، نیکلسون معتقد است؛ «این واژه در اصل، عربی و از مصدر جعلی «هو» گرفته شده است» (بیات و حوائجی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). در فرهنگ لغت آکسفورد، هویت یعنی «خصوصیات، احساسات و باورهایی که باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شوند» (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۵۲). فرهنگ فارسی معین نیز هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: «آنچه موجب شناسایی شخص باشد و هویت عبارت‌اند از حقیقت جزئی؛ یعنی هرگاه ماهیت با تشخص، لحاظ و اعتبار شود» (معین. «هویت»).

«هویت، ریشه در فلسفه مشایی دارد. وقتی ماهیت را به اعتبار و لحاظ مشخص کنند، هویت نام می‌گیرد. در اصطلاح عمومی نیز آنچه موجب شناسایی شخص، ایل، قوم یا ملتی شود و آنچه میان مخالف‌ها بتواند خود را عرضه کند، باقی مانده و ثبات نسبی خود را حفظ نماید، هویت نام دارد» (صدر، ۱۳۸۶: ۱۶).

هویت درواقع، کار جداکردن و ایجاد تمایز فرد، میان خودش با دیگران و به عبارتی دیگر، مشخص کردن حالت شخصی خود است. «اصل هویت، این است که موجود، همان خودش است و به ما کمک می‌کند که چیزی را که از آن یک چیز نیست، به آن نیفزاییم» (سعداوی، ۱۳۸۴: ۳۵۲).

هویت در تعریفی دیگر، «مجموعه باورهای ذهنی است که سبب ایجاد تمایز بین یک شخص با شخص دیگر می‌شود» (قنبرپور و دیگران، ۱۳۹۵: ۲ - ۳). هویت، انواع متعددی دارد: هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت سیاسی، هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی و هویت جنسیتی، ابعاد چندگانه‌ای از این مفهوم را ارائه می‌دهد. آثار روایی، بیانگر نوع نگاه نویسندگان به محیط اطراف و مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ از طرف دیگر شخصیت‌های این آثار با توجه به نقش‌های متعددی که در شکل‌گیری حوادث برعهده می‌گیرند، هویت خود را می‌سازند.

۱-۱. پرسش و ضرورت پژوهش

در این پژوهش، پنج‌تنتره، اثر شاخص ادبیات کلاسیک هند، بررسی می‌شود. نویسنده در این اثر، با اشاره به جامعه عصر خود، زوایایی از هویت شخصیت‌ها را در قالب فابل متبلور ساخته است. این پژوهش با بررسی حکایت‌های پنج‌تنتره به پرسش اصلی زیر پاسخ می‌دهد:

- انواع هویت در متن پنج‌تنتره چگونه منعکس شده است؟

بررسی هویت، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن از رویکردهای تازه پژوهش در دنیای معاصر است که در همه زمینه‌های مطالعاتی مثل روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، دین، تاریخ و حتی سیاست به آن می‌پردازند. بررسی مفهوم هویت در ادبیات کلاسیک هند، درک و شناخت بهتری نسبت به این مکتب با تأکید بر متون ادبی فراهم می‌کند و زمینه مناسب را برای بررسی چگونگی انتقال این مفاهیم، همراه با ترجمه این آثار، به ملت‌های دیگر پدید می‌آورد.

از آنجا که پنج‌تنتره، منبع اصلی کلیله و دمنه است، بررسی ابعاد هویت در این اثر، مقدمات مطالعه چرایی و چگونگی انتقال آن را به زبان فارسی مهیا می‌سازد؛ بنابراین در یافتن فرهنگ مشترک و ابعاد تحول آن در تاریخ ادبیات ایران و هند سودمند است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

مقالات متعددی در ادبیات فارسی با موضوع هویت نوشته شده است که در این میان، توجه به مبحث هویت در ادبیات هند نیز مشاهده می‌شود. تحلیل ویژگی‌های ادبیات پسااستعماری که هویت جدید هندی را پس از استعمار انگلیس شکل می‌دهد، پیوند هویت و ادبیات هند را نشان می‌دهد (کولایی و پازوکی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۲). پژوهش دیگر در زمینه هویت در ادبیات، مقاله هویت ایرانی در ادب فارسی تا حمله مغول است که به مواردی چون نگرش به جهان بر پایه اغتنام فرصت‌ها و شادی‌ها و تأکید بر شادخواری و بادنه‌نوشی در زندگی زودگذر دنیایی اشاره می‌کند (اثنی‌عشری و رستگار فسایی، ۱۳۸۴: ۶۹). پژوهش‌های بین‌المللی، بخصوص در بین محققان هندی، ابعاد متعددی از توجه به پنجانتیره را نشان می‌دهد:

پژوهشگران دانشگاه OPJS راجستان در مقاله‌ای بر نقش آموزشی و سرگرم‌کننده داستان‌های ۲۳۰۰ ساله پنجانتیره برای همه گروه‌های سنی تأکید کرده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که عدم مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری، موضوع قابل توجهی در آموزش فعلی است. پنجانتیره در جذب این دانش‌آموزان به مدارس و آموزش آن‌ها سودمند است. بر این اساس پنجانتیره، آمیزه‌ای از انگیزش، زیرکی، تخیل و تفکر منطقی است که در مخاطبان خود مؤثر است (Sureshbhai and Rastogi, 2016: 3).

پژوهشگران دانشگاه مالایا در مقاله‌ای، جایگاه پنجانتیره در ادبیات دنیا را بررسی کرده‌اند. نخستین سفر این اثر از طریق ترجمه آن به زبان فارسی در دوره پادشاهی خسرو انوشیروان به زبان پهلوی به دست برزویه طیب بود. پس از آن، ابن مقفع این کتاب را به زبان عربی ترجمه کرد. این کتاب، داستان‌های زیادی از زبان حیوانات دارد که همه آن‌ها در ابعاد هنرمندانه خود، از عناصر هندی برگرفته از پنجانتیره متأثرند. به رغم ترجمه، این داستان‌ها اصالت و اثربخشی خود را از دست ندادند. برخی از این داستان‌ها را می‌توان به عنوان ابزار اجتماعی و نقد سیاسی در دوران مدرن، همان‌طور که توسط «لافونت» استفاده شد، به کار گرفت. این مقاله، اصالت هندی داستان‌های پنجانتیره را که از مرزهای

فرهنگ‌ها، زبان‌ها و ادبیات می‌گذرد، برجسته می‌سازد و بر اهمیت جایگاه آن در مطالعات تطبیقی ادبیات تأکید می‌کند. محققان، تأثیر ماندگار پنجانتتره بر ادبیات شرق و غرب، بخصوص بر متن هزار و یک شب را تأیید می‌کنند. این کتاب در دو بعد داستان‌هایی با همپوشانی زیاد و کاربرد روش پرسشگری از پنجانتتره تأثیر پذیرفته است. بسیاری از داستان‌های پنجانتتره در برقراری امنیت و آرامش جوامع بشری با آموزش اخلاق، حکمت و فضایل به کودکان که صاحبان واقعی آینده‌اند، سودمند هستند (Salahuddin Mohd, 2013: 11).

مقاله «جنبه‌های اجتماعی پنجانتتره»، این اثر را بهترین راهنما برای تقویت احترام اخلاقی در جوانان، به دلیل انعکاس اصول اخلاقی در پایان هر داستان می‌داند. زیربنای تاریخی اصطلاح «پنجانتتره» نشان می‌دهد که این واژه، ترکیبی از دو کلمه است. «پانچ» (پنج) و «تنترا» (تمرین/قانون). این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده از هر یک از این مؤلفه‌های اخلاقی برای مربیان، دانش‌آموزان و سرپرستان، در امر آموزش مفید است (Bhaviniben Sureshbhai Patel, Nidhi Rastogi, 2015: 14).

مقاله «تأثیر داستان‌های پنجانتتره در توسعه رفتار اجتماعی در میان افراد مبتلا به ناتوانی ذهنی» نشان می‌دهد که داستان‌گویی، روشی مؤثرتر از نمایش ویدیو در توسعه رفتار اجتماعی در میان افراد کم‌توان ذهنی است. همچنین نتایج تحقیق، تفاوت معناداری در رفتار اجتماعی زن و مرد نشان می‌دهد (Kumari Preeti, Wasim Ahmad, Nazli, 2020: 267).

مقاله «اخلاق در شرق و غرب: بررسی تطبیقی افسانه‌های پنجانتتره و ازوپ»، با تمرکز بر داستان‌هایی اخلاقی با مضمون مشابه از هر دو اثر، نشان می‌دهد که هر دو افسانه‌نویس با خیال‌پردازی، ویژگی‌های انسانی را به حیوانات نسبت می‌دهند و با خلق داستان‌های ساده اما جذاب، درس‌هایی مهم از زندگی به ما می‌آموزند که باوجود بلوغ فکری از آن‌ها غافل می‌شویم. در این دنیای همیشه پویا و رقابتی، درس‌هایی که از

افسانه‌های پنجانتترا و ازوپ به دست می‌آید، مسیر موفقیت و صلح را برای ما روشن می‌کند (Nandana, 2019: 508).

تاکنون هیچ پژوهشی، هویت در پنجانتترا را بررسی نکرده است. ضرورت اصالت یافته‌ها و فراهم آوردن زمینه برای بررسی چگونگی تغییر بازتاب انواع هویت در ترجمه پنجانتترا و نمونه‌های ایرانی متأثر از آن، این پژوهش را بر اصل هندی این اثر سترگ متمرکز می‌کند.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی با استناد به منابع کتابخانه‌ای است. ابتدا با طرح انواع هویت و تطبیق آن، با حکایت‌های پنجانتترا، یافته‌ها استخراج می‌شود. پس از آن با تحلیل مضمون یافته‌ها، طبقه‌بندی انواع هویت صورت می‌گیرد و مثال‌های مناسب ارائه می‌شود.

۳. یافته‌ها

هویت در پنجانتترا، به ترتیب در اقسام هویت فردی، هویت اجتماعی، سیاسی، دینی، ملی و جنسیتی طبقه‌بندی می‌شود. هر کدام از اقسام هویت، در بخش‌های متعددی مشاهده می‌شود که با ذکر مثال شرح خواهد شد.

۳-۱. هویت فردی

هویت فردی به این سؤال پاسخ می‌دهد که من کیستم و به کجای جهان تعلق دارم؟ درواقع، هویت فردی، خصیصه‌های دوام‌یافته ثابت فردی یا مشتق از آن‌هاست و چیزی است که درون شخصیت افراد به واسطه فرایندهای گوناگون شناختی، موجودیت دارد. مجموعه ویژگی‌هایی است که یک فرد را متفاوت از دیگران می‌سازد و به او فردیتی خاص می‌بخشد. این ویژگی‌ها شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، احساسات، نمادها، هنجارها، تمایلات و آگاهی‌های خاص یک فرد است (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۸).

هویت فردی در پنج‌تنتره، با دو ویژگی تلاش برای تثبیت هویت و تأکید بر لزوم تمایز افراد از یکدیگر همراه می‌شود.

۱-۱-۳. تثبیت و تعالی هویت فردی

اگر هویت کسی تغییر کند، وضعیتی جدید پدیدار می‌شود. در حکایت‌های پنج‌تنتره، تغییر هویت فردی به دو شکل است: بهبود هویت در مسیر کمال‌گرایی و بازگشت به هویت نخستین. در هر دو گروه این حکایت‌ها، تغییر هویت، جنبه مثبت دارد و در روند تغییر، بر فضیلت‌های اخلاقی تأکید می‌شود. در حکایت شغالی که در خمره رنگ افتاد، تغییر رنگ شغال با تغییر هویت او همراه است. او به تلقی و آگاهی جدیدی از خود می‌رسد:

«شغال با بدن رنگ‌شده به جنگل برمی‌گردد و وقتی حیوانات جنگل، شغال رنگی را می‌بینند، او را نمی‌شناسند و از ترس پا به فرار می‌گذارند» (شرمه، ۱۳۹۷: ۷۸).

هویت فردی تغییر یافته شغال، تغییر هویت قومی او و دوری از جمع شغالان را به دنبال دارد. او حتی اسم خود را هم عوض کرده و همه او را با نام «کودرما» صدا می‌زدند. شغالان دیگر، تصمیم می‌گیرند تا هویت او را افشا کنند؛ بنابراین همگی جمع شدند و باهم زوزه کشیدند. کودرما با شنیدن صدای زوزه شغال‌ها، چشم‌هایش پر از اشک شد و ناخودآگاه مثل آن‌ها زوزه کشید. بازگشت به ارزش‌های نخستین، هویت فردی شغال را تثبیت می‌کند و او را از تکبر و انحراف دور می‌کند.

در حکایت پسر تاجر، پسر جوان بعد از رانده شدن از خانه، در جستجوی هویت جدید خود، تلاش می‌کند و ولیعهد پادشاه می‌شود (همان: ۱۱۳).

۲-۱-۳. تقابل هویت فردی، عامل تمایز افراد

گاهی نویسنده با نشان دادن ارزش‌ها، تمایلات، میزان آگاهی و احساسات افراد، تصویری از تفاوت افراد در زمینه هویت فردی را ترسیم می‌کند. اعتقاد به پایداری اصالت و نقش تلاش و کوشش در تعیین هویت فردی و برتری آن بر میراث و تقدیر، تأکید بر حسن خلق

و میهمان‌نوازی و برتری آن بر ترشروی و حساست، برتری نیکی بر شرارت و خرد بر جهالت با مقایسه‌ی دو هویت مخالف و مقابل، از نتایج انعکاس هویت فردی در پنج‌تنتره است. در حکایت دو مار از مجموعه‌ی سوم پنج‌تنتره، یکی از مارها در شکم شاهزاده زندگی می‌کند و همواره او را می‌آزارد و دیگری در تپه‌ی لانه دارد. این دو مار، دو هویت فردی متفاوت دارند و در مقابل هم قرار می‌گیرند (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۶۳-۱۶۵).

درواقع هویت فردی این دو مار، تقابل دو عنصر خیر و شر است که درنهایت، برتری خیر بر شر را نشان می‌دهد.

۲-۳. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی با مفهوم هویت فردی، نزدیکی بیشتری دارد و در جریان هویت‌یابی فرد تأثیرگذار است (باقری، ۱۳۸۸: ۳۳).

هویت اجتماعی؛ یعنی اینکه فرد نقش‌ها و وظایف اجتماعی خود را بشناسد و متقابلاً انتظارات جامعه از خود را بداند. تحقق هویت اجتماعی در گرو تحقق تربیت جامع فرد است؛ یعنی شخص در همه‌ی ابعاد وجودی خود شامل فیزیکی، عاطفی، اجتماعی، ذهنی و اخلاقی، صفات و رفتارهای ارزشمندی داشته باشد تا بتواند نقش خود را به‌طور مؤثر در جامعه ایفا کند (صدر، ۱۳۸۶: ۸۷).

هویت اجتماعی، شامل مجموعه ویژگی‌هایی است که باعث ایجاد «ما» می‌شود؛ بنابراین هویت جمعی، در معنای همسانی با دیگران، با پیوستگی عضویت افراد در گروه‌ها و مقوله‌ها ارتباط دارد (باقری، ۱۳۸۸: ۳۳). هویت اجتماعی در پنج‌تنتره به شکل تلاش برای ارتقای اجتماعی مشاهده می‌شود.

۱-۲-۳. تلاش افراد برای ارتقا و کسب هویت اجتماعی

هویت اجتماعی در کتاب پنج‌تنتره، با تلاش برای ارتقا در جامعه همراه است. کسب هویت اجتماعی با زراندوزی و نزدیکی به مراکز قدرت ارتباط مستقیمی دارد. ثروت‌اندوزی و کسب شهرت و موقعیت اجتماعی بالاتر، در اغلب حکایت‌ها با جلای

وطن و سفر، همچنین تیزهوشی و فراست همراه است. در باب اول پنج‌تنتره، پسر تاجر تصمیم می‌گیرد به سفر تجاری برود تا جایگاه بهتری کسب کند. حتی شکستن پای گاو، او را از تصمیمش منصرف نکرده و با رها کردن حیوان، به سفر خود ادامه می‌دهد: «تصمیم گرفت که شهر و دیارش را رها کند و برای به‌دست آوردن ثروت بیشتر، به سفر تجاری برود» (شرمه، ۱۳۹۷: ۳۷).

مهاجرت در حکایت جویندگان گنج، با تغییر جایگاه اجتماعی افراد همراه است: «چهار برادر پس‌ازاینکه مدّت زیادی به فقر و بدبختی خود فکر کردند، به این نتیجه رسیدند که از شهر خود مهاجرت کنند» (همان، ۱۳۹۷: ۱۸۷). نمونه‌های دیگر در حکایت کوزه‌گر (همان: ۱۸۳) و حکایت فیل‌ها و خرگوش‌ها (همان: ۱۵۳) مشاهده می‌شود.

۳-۳. هویت سیاسی

هویت سیاسی در پنج‌تنتره، در بخش‌های طبقات حکومتی و ویژگی‌های هر یک از طبقات بررسی می‌شود. دو طبقه اصلی پادشاه و درباریان در این کتاب، نقش اصلی را دارند و هریک با ویژگی‌های مثبت و منفی، ارزیابی می‌شوند. پادشاه، اغلب در هیأت شیر، نماد قدرت کامل است و عوامل حکومتی وی، وزیران، ندیمان، حکمرانان محلی و ناظران، جاسوس‌اند (همان: ۳۵).

تلاش برای نزدیکی به پادشاه و افزایش قدرت در بین درباریان، بهبود هویت سیاسی را در فضایی رقابت‌گونه و در مواردی تنش‌آفرین نشان می‌دهد.

۳-۳-۱. لیاقت و درایت پادشاه

هویت پادشاه با چند ویژگی اصلی تعریف می‌شود: قدرت، اصالت، عدالت، بصیرت و برقراری نظم و امنیت، اصولی هستند که کارآمدی و لیاقت پادشاه را نشان می‌دهند. این ویژگی‌های مثبت، تداوم حکومت و ترقی مملکت را در پی دارد. در اغلب حکایت‌های پنج‌تنتره، شیر، پادشاه و قدرت برتر قلمرو خود است. شیر در حکایت اول پنج‌تنتره، به کنار رودخانه یامانا رفته تا آب بنوشد.

«شیر تنها نبود و تعداد زیادی از حیوانات جنگل فرمان‌بردار او بودند» (شرمه، ۱۳۹۷: ۲۵). در حکایتی دیگر، به نجیب‌زادگی و اصالت شیر اشاره شده است که «تقوا و پرهیزگاری را فراموش نمی‌کند» و شکار دیگران را تصاحب نمی‌کند (همان: ۱۸۰). همچنین توجه به آسایش و رفاه زیردستان از دیگر ویژگی‌های پادشاه و مصداق عال‌گیری وی است. بصیرت پادشاه در شناخت دقیق افراد و توانایی‌هایشان، لازمهٔ بینش سیاسی در استخدام آنان است. در تمثیلی جالب، پادشاه به برزگری مانند شده است که با دقت نظر و پس از امتحان، بذر را می‌کارد. تمثیل دیگری نیز وجود دارد که در آن، دمنه خادمان را به زیورآلات تشبیه می‌کند:

«خادمان و زیورها را باید در جای خود به کاربرند و پیرایه‌ای که مخصوص سر است نباید به پای بست. نگین گران‌بها را باید در حلقهٔ زر نشانند» (همان: ۴۱). یکی از مؤلفه‌های امنیت، پاسبانی و ایجاد آسودگی است. اینکه چه کسانی آسودگی را برای افراد جامعه به وجود می‌آورند، هویت سیاسی یک جامعه محسوب شود. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری، بدون رضایت فرد است. در پنچاتنتر ایجاد امنیت مهم‌ترین وظیفهٔ پادشاه دانسته شده است:

«اگر شاهی نتواند برای مردم با پاسبانی آنان آسودگی فراهم آورد، دورهٔ شاهی او بی‌ثمر است، چون پستان در گردن بز» (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۶۷).

در برابر اصول مثبت حاکمیتی، ویژگی‌های منفی قرار دارند که ذکر آن‌ها، ضرورت تحذیر و پرهیز از آن‌ها را برجسته می‌نمایاند. خامی و ناآزمودگی در مواجهه با زیردستان مکار و سیاس، بی‌تدبیری در هدایت قوم خود، نشنیدن پند دیگران و بی‌مسئولیتی از ویژگی‌های منفی پادشاهانی است که عاقبت شکست، گرفتاری، نابودی و عزل را تجربه می‌کنند. در حکایت قورباغه‌ها و مار سیاه، شاه تصمیم می‌گیرد با وزیرانش به ساحل برود. بی‌تدبیری وی به عنوان رهبر آن جامعه، او را طعمهٔ مار می‌کند (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۶۹). در حکایت کلپله و دمنه، ناآزمودگی پادشاه در مواجهه با مکر دمنه، فریب و غبن وی را در کشتن گاو به دنبال دارد (همان: ۸۸).

۲-۳-۳. کاردانی و کفایت درباریان

کفایت درباریان و وابستگان حکومتی پادشاه در خصلت‌های دانایی، سخنوری، تواضع، حسن خلق، وفاداری و نیکو نهادی، تعریف می‌شود. در حکایت کليلة و دمنه، خصلت‌های مشاور خوب مطرح می‌شود:

«شما به تکه‌های چوب برای خلال دندان‌هایتان، همان اندازه احتیاج دارید که به وزیری دانا و سخنور» (شرمه، ۱۳۹۷: ۹۰).

در ادامه از زبان دمنه می‌شنویم که: «وقتی وزیری مورد احترام شاه است باید متواضع باشد و هنگام بزرگداشت یا تحقیر دیگران، اخم را از چهره‌اش دور کند» (همان: ۹۰).

اهمیت مشاور خوب تا حدی است که اصلاح پادشاه و تغییر وی را موجب می‌شود: «شخص ناپاک اگر مشاورینی نیک‌نهاد داشته باشد، خود پاکدل می‌گردد» (همان: ۷۳).

سلب این ویژگی‌های مثبت در اطرافیان شاه، نابودی پادشاهی، شکست و دشواری حکومت را در پی دارد. مهم‌ترین ویژگی منفی درباریان در پنج‌تنتره، خیانت و دسیسه‌چینی است. فرجام شوم دسیسه‌گر و زیان پادشاه و تباهی مملکت، لزوم پرهیز از این خطای آشکار را مؤکد می‌سازد.

۴-۳. هویت دینی

هویت دینی یعنی اتکای فرد به یک نظام یا پایگاه اعتقادی که بر جهت‌گیری فرد در زمینه‌های مختلف تأثیر می‌گذارد (ایزدی و قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

دین در یک جامعه از طریق جامعه‌پذیری، در قالب ارزش‌های اجتماعی، در نظام شخصیتی و هویت اجتماعی وارد شده و در آن نهادینه می‌شود. هویت دینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی افراد ایفا می‌کند. تقویت این بعد از هویت، می‌تواند موجب قوام سایر ابعاد هویت شود. بدیهی است که از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب می‌باشد.

برخی از صاحب‌نظران، تعهد را به عنوان سنگ‌بنای «هویت دینی» تلقی می‌کنند. «تقریباً تمام ایل‌ها و اقوام، دارای کیش‌ها و ادیان قومی بوده و هویت دینی آن‌ها با هویت

قومی‌شان عجین شده است؛ اما با ظهور ادیان فراقومی و جهانی، مانند بودایی، مسیحی، اسلام و غیره، هویت دینی، اساسی جداگانه با هویت ملی و قومی پیدا کرد» (صدر، ۱۳۸۶: ۸۷). هویت دینی در پنج‌تنتره، در ترسیم مقدسات جامعه و زهد و ریاضت رهبران دینی منعکس می‌شود.

۳-۴-۱. انعکاس مقدسات جامعه

معرفی خدایان هند و حوزه قدرت هر یک از آن‌ها، در حکایت اصلی کیله‌ودمنه، بُعد اصلی خداباوری جامعه را نشان می‌دهد. لزوم حمایت خدایان از افراد با توجیه چندخدایی همراه است؛ یعنی هر یک از افراد مخالف یکدیگر، از حمایت خدای خود برخوردارند. سوءاستفاده از مقدسات، برای کسب قدرت و تحمیل باورهای خود به مخاطبان ساده‌دل از دیگر نمودهای هویت دینی در پنج‌تنتره است. در حکایت اصلی کتاب، دمنه برای رسیدن به اهداف خود، گاو را فرستاده شیوا معرفی می‌کند و برای تقرب به شیر، او را نماینده دورگا می‌داند (شرمه، ۱۳۹۷: ۹۳).

شیوا نیرویی است که به عقیده هندوها دنیا را خراب می‌کند. در برابر شیوا نیرویی است به نام ویشنا که نگهدارنده دنیا است و دورگا هم همسر شیوا است. استعانت از خدایان در بلا و مصیبت و پذیرش پاداش کار نیک و مجازات خطا، از دیگر جلوه‌های هویت دینی در پنج‌تنتره است. در داستان پارچه‌باف نادان، فرشته به پسر پاداش می‌دهد. فرشته گفت: «پسرم حق با تو است. باید به فرزندان خدمت کنی. به تو پیشنهاد می‌کنم که از انداختن این درخت، چشم‌پوشی کنی و در عوض هرچی که بخواهی من برایت فراهم می‌کنم» (همان: ۲۰۰).

۳-۴-۲. زهد و ریاضت رهبران دینی

در کل حکایت‌های این کتاب، برهمنان و راهبه‌ها به عنوان رهبران دینی شناخته می‌شوند. ریاضت و پیوند آنان با فقر و زهد بسیار، از ویژگی اصلی این رهبران است. زندگی گروهی در معابد دورافتاده، گذران زندگی با صدقات و خیرات مردم، توصیه به انفاق و

اطعام فقرا، اعتقاد به قربانی کردن بز در هنگام ماه گرفتگی، تسخیر طبیعت و برآورده‌سازی حاجات مردم با نیروی نیایش، دعا و پیشگویی از جلوه‌های هویتی رهبران دینی در پنج‌تنتره است. راهب بزرگ برای مخاطبش، خود را این گونه توصیف می‌کند:

«ای مرد خدا، ما راهب هستیم و وقتی برای گردآوری صدقه‌ها و خیرات مردم می‌رویم به فکر مهمانی و غذا نیستیم. برهمن‌ها اهل دعوت شدن و مهمانی رفتن هستند؛ اما وقتی گرسنه می‌شویم از کسی که سر راهمان قرار بگیرد، تقاضا می‌کنیم که لقمه نانی در حد رفع گرسنگی به ما بدهد» (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۸۳).

۵-۳. هویت ملی

هویت ملی، به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی است. مهم‌ترین نمادهای ملی عبارت‌اند از: سرزمین، دین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت. در درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری اعضا به هریک از عناصر مذکور، احساس هویت آن‌ها را مشخص می‌سازد (عدلی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

هویت فرهنگی، یکی از عناصر هویت ملی و دارای اهمیت ویژه‌ای است تا جایی که هویت ملی را گاه با استناد و رجوع بدان بیان می‌کنند. واقعیتی که در ژرفای روح و جان ملت و قوم ریشه دوانده و از چنان ثباتی برخوردار است که گویی خلق و خوی مردم یا طبیعت ثانوی‌شان شده است (ستاری، ۱۳۷۵: ۱۰۸).

فرهنگ با گاف فارسی بر وزن و معنی فرهنگ است. علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی را معنی می‌دهد. فرهنگ مردم، ریشه در گذشته‌های دور دارد و با سنت و ارزش‌های بشری پیوسته و نیکی و برجستگی آن به اثبات رسیده است. آن‌ها را با اوضاع و موقعیت‌های تازه و نیازها و خواسته‌های عامه مردم زمان، هماهنگ و همگام می‌سازد (یاوری، ۱۳۹۴: ۱۴).

هویت ملی در کتاب پنج‌تنتره، وابستگی فرد را به عناصر ملیتی نشان می‌دهد و با کشور و فرهنگ افراد، پیوند می‌خورد. این هویت در ابعاد مقابله با دشمن و تجلی فرهنگ و آداب و رسوم ترسیم شده است:

۳-۵-۱. مقابله با دشمن مشترک

مقابله با دشمن مشترک و پیروزی بر وی، خاطره‌ی مشترک ملی را ترسیم می‌کند و نتایج ارزشمندی در انسجام یک ملت دارد؛ اتحاد ملی برای رفع مشکلات مشترک، انقیاد از رهبری بزرگ، افزایش حس تعهد و مسئولیت‌پذیری در حفاظت از منافع مشترک و جان افراد، مقابله با استبداد و ظلم، از مصادیق دشمن‌ستیزی در پنج‌تنتره است. در داستان مار کبری و کلاغ که از داستان‌های فرعی باب اول پنج‌تنتره محسوب می‌شود، تعهد یک کلاغ در برابر دیگران با نابودی دشمن، هویت ملی وی را شکل می‌دهد:

کلاغ ماده به طرف استخر پرواز کرد. گردنبند طلا را از میان زنان دربار به منقار گرفت و آرام به طرف بیشه حرکت کرد. نوکران درباری از داد و فریاد زنان، متوجه ماجرا شدند و به دنبال کلاغ ماده دویدند. وقتی کلاغ به نزدیک مار رسید، گردنبند را زیر مار گذاشت و فرار کرد. افراد دربار هم وقتی به درخت رسیدند، مار کبری را دیدند و به جان او افتادند و او را کشتند و زنجیر طلا را برداشتند. از آن به بعد، مشکل کلاغ‌ها حل شد و زندگی شادی را آغاز کردند (شرمه، ۱۳۹۷: ۵۰).

۳-۵-۲. فرهنگ و آداب و رسوم، نمادی از هویت ملی

اشاره به آیین شکرگزاری و صدقه‌دادن در این روز و رسم ازدواج دختران در زمان بلوغ، نمودهایی از فرهنگ مندرج در پنج‌تنتره است. انعکاس آداب و رسوم فرهنگی در بخش‌هایی از پنج‌تنتره که شخصیت‌های انسانی دارند، مشاهده می‌شود. در حکایت ازدواج موش ماده از مجموعه‌ی سوم این اثر، همسر راهب، زمانی که دخترشان به دوازده سالگی می‌رسد، می‌گوید: «همسرم، زمان ازدواج دخترمان فرا رسیده است. بهتر است در این باره فکری کنی» (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

۳-۶. هویت قومی

این هویت به عنوان شاخه‌ای از هویت اجتماعی است و شامل حال مردمانی است که ایل متحرک آن‌ها ساکن شده و سرزمینی مشترک از لحاظ دینی - فرهنگی پیدا می‌کنند. این

هویت، بخشی از فرهنگ نوین جوامع است که در رابطه با آزادی و برابری و فردیت شهروندان و حقوق انسانی آنان در جامعه ملی به وجود آمده است (صدر، ۱۳۸۶: ۸۷). «قوم‌مداری یا بدگمانی نسبت به خارجی‌ان، همراه با گرایشی به ارزیابی فرهنگ‌های دیگران برحسب فرهنگ خویش، مفهومی است که از گذشته تاکنون مورد توجه قرار داشته است» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۲). انعکاس هویت قومی در کتاب پنج‌تنتره به دو شکل تفرقه‌انگیزی با تأکید بر اختلافات قومی و ضرورت وفاداری به ارزش‌های قومی مشاهده می‌شود.

۱-۶-۳. هویت قومی، عامل تفرقه و اختلاف

اشتراکات قومی، افراد یک قوم را به هم نزدیک می‌کند و به همان اندازه از دیگر اقوام، دور. تأکید بر قوم‌گرایی و برتری‌طلبی افراطی، آتش اختلاف و دشمنی را در پنج‌تنتره می‌افروزد. در فصل سوم این کتاب در حکایت کلاغ‌ها و جغدها، دشمنی دیرینه این دو گروه، نمودی از اختلافات قومی در یک کشور واحد است. دشمنی این دو قوم که از دیرباز، قاتل یکدیگر هستند، تعصب قومی را نشان می‌دهد که عاملی برای جنگ‌افروزی‌های داخلی است (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

۲-۶-۳. وفاداری به هویت قومی و پاسداشت آن

تغییر هویت قومی و قبیله‌ای، هرچند با امتیازات جدید همراه باشد، موقتی و گذراست. نمونه‌های متعددی در پنج‌تنتره از تغییر هویت قومی مشاهده می‌شود که درنهایت به بازگشت به اصل خود ختم می‌شود. این حکایت‌ها در قالب شخصیت‌های حیوانی نمود می‌یابند و از آنجاکه در قلمرو واحدی زندگی می‌کنند، تمثیلی برای اقوام مختلف در یک جامعه است. تأکید بر اصالت‌های قومی و برخورداری از ضمانت بقا در حیات قومی و قبیله‌ای، از دلایل ثبات هویت قومی است.

بازگشت به هویت قومی را در حکایت سگی که به دیار غربت رفت، مشاهده می‌کنیم. در شهر، سگی بود که از غذای این‌وآن می‌خورد و روزگار خود را می‌گذرانید.

خشک سالی و قحطی به آن دیار آمد؛ به طوری که نمی توانست چنین وضعی را تحمل کند؛ بنابراین از آن شهر، به دیار بیگانه‌ای رفته و به خانواده‌ی ثروتمندی رسید. سگ، هر روز غذای سیری می خورد. وقتی از خانه بیرون می آمد، سگ های محلی بر سرش می ریختند و با چنگ و دندان به او آسیب می رساندند. بعد از مدتی سگ برای حفظ جان، به نزد قوم خود برگشت.

«دوباره به محله سابق خود برگشت و سگ هایی که قوم و خویشش بودند، دورش را گرفتند و از وضعیت دیار بیگانه پرس و جو کردند» (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۸۱).

۷-۳. هویت جنسیتی

این هویت، به عنوان یک پدیده اجتماعی به صورت حاکمیت مردسالاری و جریانات فمینیستی افراطی و نحله های میانی آن ها در همه جوامع کنونی وجود دارد (صدر، ۱۳۸۶: ۸۷). «اساس این نظریه، آن است که جنسیت اکتسابی است و آدم ها برای آنکه مؤنث و مذکر جلوه کنند، باید به شیوه های معینی صحبت و عمل کنند» (ریتزر، ۱۳۷۷: ۳۷۷). چگونگی توجه به جنسیت زن، در آثار ادبی، می تواند نمودی از بازتاب وضعیت اجتماعی زنان در آن عصر باشد. به علت متفاوت بودن خواسته ها و نقش های اجتماعی زنان، بازتاب سیمای آن ها هم نسبت به مردان متمایز می شود (علوی، ۱۳۷۸: ۳۵).

هویت جنسیتی در حکایت های پنجتن تره، صبغه ای کاملاً مردانه دارد. اغلب مردان، یا حیواناتی با جنسیت مذکر، نقش های اصلی را ایفا می کنند و طرح حکایت را شکل می دهند.

پنجتن تره کتابی است که به قلم مردان، برای مردان، بخصوص درباریان نوشته شده است. این کتاب برای آموزش پادشاهان و انعکاس وظایف حکمرانی و چالش های پادشاهان آینده نوشته شده است. پادشاهان در هوس بازی که تغییرات ناگهانی در نگرش و رفتار آن ها ایجاد می کند، با زنان مقایسه شده اند. ویشنو شرما نظرات خود را در مورد غیرقابل اعتماد بودن پادشاهان با اشاره به خیانت زنان بیان کرده است (Shinde, 2015: 13684).

در پنج‌تنتره، زنان در حکایت‌ها به‌ندرت حاضر می‌شوند و حضور آن‌ها، اغلب با نقش‌های منفعلانه همراه است؛ یعنی در پیشبرد حکایت تأثیری ندارند و اغلب مخاطب یا ناظر روند حکایت‌اند. در مواردی اندک، زنان نقشی فعال دارند، نقش‌های فعال زنان در دو نقش تربیتی و مدیریتی مشاهده می‌شود؛ این دو نقش در روند حکایت تأثیر دارد و به دو شکل مثبت و منفی، ظاهر می‌شود. سومین بخش از حضور زنان، ترویج اندیشه تحذیر از مشارکت زنان در انجام کار است. این بخش، کاملاً مردسالارانه است و تبلیغی برای کاهش نقش زنان است.

۳-۷-۱. نقش فعال تربیتی زنانه

نقش تربیتی زنان در عرصه خانواده ظاهر می‌شود. زن در این نقش، با نظارت بر بالیدن و رشد فرزندان، محیطی امن را ایجاد می‌کند. پرهیز از خشونت و حذف موقعیت‌های تنش‌زا، نقش فعال زن را در محیط خانه نشان می‌دهد. در حکایت شیر ماده و شغال جوان از باب چهارم، شیر ماده‌ای که دو پسر داشت، بچه شغال طردشده‌ای را بزرگ کرد. زمانی که دو شیر با این شغال اختلاف پیدا کردند، ماده شیر برای حفظ جان شغال و ایجاد محیطی آرام برای فرزندان، با افشای واقعیت، از شغال می‌خواهد که آنجا را ترک کند: «پسرم، تو در اصل، پسر یک شغال هستی. هرگز فیلی به وسیله افراد خانواده‌ای که تو در آن متولد شده‌ای کشته نشده است. من به تو شیر دادم و بزرگت کردم» (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۷۴). در تعداد کمی از داستان‌ها، پرندگان ماده به‌عنوان مادر نشان داده شده‌اند که نگران رفاه نسل خود هستند. از دیدگاه پژوهشگران، این وضعیت نادر، تصویر آن‌ها را مثبت نشان می‌دهد. این بخش، تنها جایی است که نقش زنان در جایگاه مادران دلسوز، مثبت ارزیابی می‌شود (Shinde, 2015: 13683).

۳-۷-۲. نقش فعال مدیریتی زنانه

نقش مدیریتی زنان در پنج‌تنتره، تلاش برای رسیدن به اهداف شخصی است. این تلاش در مواردی نتایج منفی دارد و در موارد اندکی، مثبت ارزیابی می‌شود. هدف زنان در این

حکایت‌ها، جلب توجه و محبت مردان است که نوعی تعصب زنانه را نشان می‌دهد. این تلاش زنان با ابزارهای متفاوتی مانند طرح درخواست‌های نامعقول و مکر و نیرنگ در تظاهر به بیماری، صورت می‌گیرد. دستیابی به هدف، وسیله را از دیدگاه شخصیت‌های زن توجیه می‌کند؛ اما در ساختار حکایت، نوعی هشدار به مردان تلقی می‌شود؛ بنابراین از دیدگاه زنانه، جلوه‌ای مثبت از حضور زنان ارائه نمی‌شود. نبود آگاهی زنان، در پرتو حاکمیت مردانه در فضای حکایت‌ها مشهود است. زنان برای رسیدن به نیازهای اولیه خود، روش‌هایی غیرمنطقی پیش می‌گیرند که در مواردی، نتیجه‌ای ناخوشایند دارد.

در حکایت شاه و وزیر و همسران آن‌ها، در باب چهارم کتاب، وزیر و پادشاه به همسران خود وابستگی زیادی دارند و در برابر درخواست نامعقول آن‌ها تسلیم می‌شوند. این حکایت، دو سویه مثبت و منفی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. جنبه مثبت آن، ایشار عرض و آبرو در راه معشوق است که فرهنگ‌سازی مثبت در احترام به زنان تلقی می‌شود و جنبه منفی آن، ترویج پرهیز از عشق به زنان، برای حفظ آبرو است.

«همسر وزیر برای آشتی با وی گفت: موهای بلند سرت را بتراش، آن‌ها را پیش پای من بریز. وزیر برای به دست آوردن دل همسرش این کار را کرد» (شرمه، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

ملکه هم برای اعلام رضایت از پادشاه می‌خواهد:

«اگر واقعاً خوشحالی مرا می‌خواهی، افسار اسبی را به دهانت بگیر و اجازه بده در شهر بچرخم و شیهه بکشی. شاه همین کار را کرد و همسرش با وی آشتی کرد» (همان: ۱۷۵).

در پایان حکایت، زمانی که شاه علت تراشیدن موی وزیر را از او سؤال می‌کند، وزیر در جواب می‌گوید:

«عالی جناب، به دستور همسر من این کار را کرده‌ام. آیا مرد می‌تواند در برابر خواسته‌های زنش مقاومت کند؟ حتی اگر همسرش از او بخواهد که مثل اسب سواری بدهد و شیهه بکشد» (همان: ۱۷۶).

۳-۷-۳. ترویج تحذیر از زنان

مشورت نکردن با زنان و محدود کردن مشارکت آنان در محیط خانواده، اصلی مهم است که نقض آن، شخصیت حکایت را با مرگ مواجه می‌سازد. در حکایت پارچه‌باف نادان، پند آرایشگری، خطاب به بافنده، نگاه غالب تقلیل‌گرای نقش زنان را نشان می‌دهد: «با زنت مشورت نکن. مشورت با زنان فایده ندارد، زیرا گفتند؛ مرد عاقل باید غذا و لباس همسرش را فراهم کند و از او فرزندی داشته باشد؛ اما هرگز نباید در کارهای مهم، با او مشورت کند» (شرمه، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

از دیدگاه پژوهشگران، زنان در پنج‌تنتره، حتی همسرانی که نقش مادرانه را ایفا نمی‌کنند، همیشه برای مردان تهدیدند: خواه به‌عنوان اشیاء جنسی یا با فعالیت‌های شیطانی (Shinde, 2015: 13683).

نتیجه‌گیری

بررسی مؤلفه‌های هویت در پنج‌تنتره، حضور انواع هویت فردی و غیرفردی را اثبات می‌کند. در بین انواع هویت، هویت سیاسی، برجسته‌تر است و این امر باهدف تألیف کتاب که تعلیم صاحبان حکومت است، هماهنگ است. نویسنده در تعریف حکایت‌های متعدد، هویت شخصیت‌ها را می‌سازد و این امر با تأکید بر فرجام شخصیت‌ها، پیام اخلاقی حکایت را به شیوه‌ای اجابتی و سلبی منتقل می‌کند. تبلیغ اصول اخلاقی که با فرجام نیک شخصیت‌ها همراه است و ترویج پرهیز از شرارت و بدی که با عبرت قراردادن فرجام تلخ افراد شرور و طغیان‌گر همراه است، دو روش تعلیمی هماهنگ با ترسیم هویت است. انواع هویت در پنج‌تنتره به شرح زیر نمود می‌یابد:

۱. هویت فردی به دو شکل تثبیت و تعالی هویت فردی و بیان ضرورت تمایز افراد از یکدیگر ظاهر می‌شود. بهبود هویت در مسیر کمال و بازگشت به هویت نخستین در بحث تثبیت و تعالی؛ و تقابل وجوه هویت فردی در قالب مفاهیم تقدیر و اصول اخلاقی در بخش دوم مطرح می‌شود.

۲. هویت اجتماعی با تلاش برای ارتقا در سطح جامعه همراه است. افراد تلاش می‌کنند تا با ثروت‌اندوزی و کسب شهرت، وجهه بهتری در جامعه داشته باشند؛ بنابراین با سفر و ترک وطن و برقراری ارتباط با مراکز قدرت، موقعیت خود را بالا می‌برند.

۳. هویت سیاسی در دو طبقه حکومتی شاه و درباریان نمود می‌یابد. پادشاه، اغلب در هیأت شیر و عوامل حکومتی وی، در مراتب وزیران، ندیمان، حاکمان محلی و ناظران جاسوس ظاهر می‌شوند. هویت پادشاه با ترسیم ویژگی‌های مثبت وی، شامل قدرت، اصالت، عدالت، بصیرت و برقراری نظم و امنیت و ضرورت پرهیز از ویژگی‌های منفی توصیف می‌شود. هویت درباریان با شرح کاردانی و کفایت آنان در خصلت‌های دانایی، سخنوری، تواضع و نیکونهادی آشکار می‌شود.

۴. هویت دینی با نشان‌دادن مقدسات جامعه و انعکاس زهد و ریاضت رهبران دینی ترسیم می‌شود. نویسنده در این کتاب با اشاره به خداباوری، حمایت خدایان متعدد از شخصیت‌ها و تأکید بر مجازات خطا و پاداش خیر، جنبه مثبت هویت دینی را نشان می‌دهد. قدرت‌طلبی به واسطه مقدسات و تحمیل ایدئولوژی شخصی بر مخاطب عامی، جنبه منفی هویت دینی است. توصیف زهد و ریاضت رهبران دینی و گذران زندگی با صدقات و خیرات مردم، همچنین توانایی این رهبران در کاربرد دعا و نیایش برای رفع نیازهای مردم، بخش دوم از ترسیم هویت دینی در پنج‌تنتره است.

۵. هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی است. مقابله با دشمن مشترک، با ایجاد اتحاد ملی، لزوم پیروی از رهبری بزرگ، مسئولیت‌پذیری و استبدادستیزی، آشکار می‌شود. از دیگر مصادیق هویت ملی، تجلی آداب و رسوم فرهنگی در جامعه انسانی پنج‌تنتره است که احترام به آیین‌ها و لزوم تبعیت از آن‌ها را نشان می‌دهد.

۶. هویت قومی به دو شکل مثبت و منفی آشکار می‌شود. دشمنی و اختلاف اقوام مخالف، پیامد منفی قوم‌گرایی افراطی است. وفاداری به هویت قومی، با تأکید بر اصالت آن و تضمین بقا در حیات قومی - قبیله‌ای، جنبه مثبت قوم‌گرایی را شکل می‌دهد.

۷. هویت جنسیتی، با برتری جنس مذکر همراه است. حضور غالب مردان، نقش زنان را کمرنگ می‌سازد. زنان، فقط در دو بخش تربیتی و مدیریتی، نقشی فعال ایفا می‌کنند. ترویج پرهیز از زنان و محدود کردن نقش‌های آنان از دیگر مصادیق مردسالاری در این اثر است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافع ندارند.

منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم. (۱۳۸۸). «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی: مطالعه موردی شهروندان تهرانی». فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران. دوره ۳۹ شماره ۲. صص ۲۳-۴۹.
- اثنی‌عشری، اطلس و رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۴). «هویت ایرانی در ادب فارسی تا حمله مغول». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره بیست و دوم شماره ۴۲. صص ۶۹-۸۱.
- ایزدی، مهشید و قاسمی، کبری. (۱۳۹۰). «تأثیر استفاده از شبکه اطلاعات جهانی بر هویت ملی دانش‌آموزان». تحقیقات روان‌شناختی. شماره نهم. صص ۹۷-۱۰۶.
- باقری، زهرا. (۱۳۸۸). «هویت اجتماعی». مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۴۲. صص ۳۲-۳۵.
- بیات، طاهره و حوائجی، سعیده. (۱۳۹۵). «مروری بر هویت خانه‌های سنتی در قالب مجتمع مسکونی». تحقیقات جدید در علوم انسانی. سال سوم شماره ۱۰. صص ۲۲۷-۲۵۲.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۷). «رسانه‌های نوین و بحران هویت». نشریه مطالعات ملی. شماره ۳۶. ۱۴۹-۱۷۶.
- ریترز، جورج. (۱۳۷۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- سبحانی، توفیق. (۱۳۷۷). نگاهی به ادبیات فارسی در هند. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۵). سیمای زن در فرهنگ ایران. تهران: نشر مرکز.
- سعداوی، نوال. (۱۳۸۴). زن، دین، اخلاق، از دو نگاه مختلف. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- شرمه، پاندیت ویشنو. (۱۳۹۷). پنج‌تنتره. ترجمه جی. ل. چاندرامانی و عبدالعلی براتی. تهران: صدای معاصر.
- صدر، ضیا. (۱۳۸۶). کثرت قومی و هویت محلی/ایرانیان. تهران: نشر اندیشه نو.

عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۴). «تحلیل رابطه سبک زندگی با هویت فرهنگی جوانان شهر تبریز». *مطالعات ملی دانشگاه تبریز*. شماره ۶۴. ۹۳ - ۱۱۴.

علوی، هدایت‌الله. (۱۳۷۸). *زن در ایران باستان*. تهران: نشر هیرمند.

فاضلی، محمد. (۱۳۷۴). *مصرف و سبک زندگی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

قنبرپور، مرجان؛ حیدری، علی‌اکبر؛ قنبرپور، علی. (۱۳۹۵). «ارائه مدل یکپارچه از تعریف و ابعاد هویت مکان و تعیین شاخص‌های سازنده هویت: نمونه موردی ساکنان شهر شیراز». *نشریه شبک*. دوره دوم شماره ۴ و ۵. صص ۱ - ۱۹.

کولایی‌زاده، الهه و پازوکی‌زاده، زهرا. (۱۳۹۰). «ادبیات پساستعماری در هندوستان و نقش آن در شکل‌گیری هویت نوین هندی». *فصلنامه مطالعات شبه‌قاره*. سال سوم شماره هشتم. ۶۵ - ۸۲.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. جلد سوم. تهران: زرین.

یاوری، سیده فاطمه. (۱۳۹۴). *فرهنگ آداب و رسوم و سنن در شاهنامه*. تهران: نغمه زندگی.

References

- Bhaviniben Sureshbhai Patel; Nidhi Rastogi. (2015). A SOCIOLOGICAL ASPECT OF PANCHATANTRA. *Cosmos An International Journal of Art & Higher Education A Refereed Research Journal*. Vol 4 / No 2 / Jul-Dec 2015. Pp. 14 - 16.
- Kumari Preeti, Wasim Ahmad, Nazli. (2020). Effect of Panchtantra Stories on Developing Prosocial Behavior among Individuals with Intellectual Disability. *International Journal of Research and Review*. Vol.7, Issue: 11. Pp. 267 - 272.
- Nandana N.G. (2019). Moral Ethics of East and the West: A Comparative Study of Panchatantra and Aesop's Fables. *Online International Interdisciplinary Research Journal*. Volume 09.pp. 508 - 517.
- Salahuddin Mohd, Shamsuddin; Zuraidah Mohd. Don; Mohd. Zaki b. Abd Rahman; Sheena Kaur. (2013). Place of "Panchatantra" in the World of Literatures. *British Journal of Humanities and Social Sciences*: Vol 10 (2).
- Shinde, Sucheta. (2015). Panchatantra: Critical Analysis from Feminist Perspective. *EUROPEAN ACADEMIC RESEARCH*. Vol. II, Issue 10, pp 13680 - 13681.

Sureshbhai Patel, Bhaviniben; Nidhi Rastogi. (2016). A Study of Panchtantra. *Globus Journal of Progressive Education* A Refereed Research Journal. Vol 6 / No 1 / Jan-Jun 2016. PP 1-3.

استناد به این مقاله: فلاح، نسرين، عليپور، صديقه، رازاني، نسيم. (۱۴۰۴). جلوه‌های انواع هویت در پنج‌گانه‌ی دو فصلنامه‌ی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای ادبیات، ۱(۱)، ۱۲۹-۱۵۶. DOI: 10.22054/CISL.2023.72263.1012



Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.